

شناسایی و سنجش عوامل مؤثر بر سیر تحولات روستا به شهر در پهنه‌های اقلیمی متفاوت (مطالعه موردي: استان خوزستان)

هادی رضایی راد*، لیلا سمالی بابا‌حمدی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۳/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۲

چکیده

اشکال سکونتگاه‌های انسانی در ادوار مختلف تاریخی تحت تأثیر عوامل مختلف، همواره در حال تغییر بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین این تغییرات، که در دهه‌های گذشته در کشور ایران به صورت ملموس قابل مشاهده بوده، تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر است. در این تغییر شکل سکونتگاهی، همواره عوامل مختلفی دخیل بوده‌اند. بسترهاي متفاوت جغرافیایی و بویژه اقلیم، این عوامل را تحت تأثیر قرار داده و درجه اهمیت آن‌ها تابعی از شرایط متفاوت محیطی و جغرافیایی بوده است. هدف از این پژوهش شناسایی و ارزیابی عوامل اثرگذار مختلف در تبدیل روستاهای اقلیمی متفاوت استان خوزستان است. در همین راستا سعی بر آن بوده تا عوامل مؤثر بر روستاهایی که در سه پهنه‌بندی داشت، کوهپایه و ساحلی استان خوزستان واقع شده‌اند و به مرور زمان به شهر تبدیل گشته‌اند مورد شناسایی قرار گرفته و میزان نقش هر یک از این عوامل در هر یک از سه پهنه مورد سنجش کمی قرار گیرد. جهت دستیابی به هدف پژوهش از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از روش پیمایشی استفاده شده است. تحلیل داده‌ها با نرم افزار SPSS و روش تحلیل عاملی (Factor Analysis) و ترسیم نقشه‌ها نیز با نرم افزار ArcGIS Desktop 10.3 انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که بجز عامل زیرساختی- نهادی که در هر چهار پهنه اقلیمی به عنوان عاملی که بیشترین تأثیر را در تبدیل روستا به شهر داشته و نیز به عنوان مهم‌ترین عامل در تبدیل در روستا شناسایی شده است، چهار عامل دیگر (اقتصادی، خدمات آموزشی- فرهنگی، خدمات خصوصی، خدمات اجتماعی) در پهنه‌های اقلیمی متفاوت، تأثیرات متفاوتی داشته و میزان اثرگذاری آن‌ها نیز با توجه به بار عاملی شاخص‌ها متفاوت بوده است. نتایج به دست آمده می‌تواند در آمیش آتی استان و سکونتگاه‌های آن مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

روستا- شهر، عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر، پهنه‌های اقلیمی، تحلیل عاملی، استان خوزستان

* استادیار گروه مهندسی شهرسازی، دانشگاه بوعلی سینا.

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.

مقدمه

سکونتگاه‌های انسانی در یک تقسیم‌بندی بسیار ساده و در عین حال کاربردی به سکونتگاه‌های روستایی و شهری تقسیم‌بندی می‌شود روستا اولین شکل از حیات جمعی انسان در یک عرصه طبیعی است که از ویژگی‌های متعدد طبیعی و محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی کالبدی برخوردار است. تعریف مشخص و دقیق از روستا با تحول زمانی و دگرگونی مباحثت اجتماعی با تغییر و دگرگونی رویرو بوده است. بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی که با جریان اسکان جمعیت مهاجر در آن و افزایش کارکردها مواجه می‌شوند، پس از طی یک دوره انتقالی ظهرور کارکردهای اقتصادی و سیاسی شکل‌گیری چهره شهری در بعد کالبدی و خدمات زیر بنایی، در نهایت با تأیید قانون به عنوان شهر شناخته می‌شوند؛ اما نکته مهم این است که همه سکونتگاه‌های روستایی را در این ویژگی به صورت یکسان فرایند تبدیل به شهر را طی می‌نماید و یا این فرایند را در یک سازمان مشخص طی نمی‌کنند. در چند دهه گذشته ایجاد و نیز تقویت و بهبود تعامل‌های روستایی-شهری به عنوان یکی از ابزارهای توسعه هماهنگ و متعادل سکونتگاه‌های روستایی و شهری همواره مورد تأکید پژوهشگران و برنامه ریزان و سیاست‌گذاران بوده است (ژیهوبی و همکاران^۱، ۲۰۱۵، ۱۱). ایجاد و تقویت تعامل‌های روستایی-شهری مستلزم وجود شبکه‌های شهری و سازمان یافته مناسب و کارآمد باردهای مختلف سلسله مراتبی در سطح زمین است. از این‌رو ایجاد و تقویت و توسعه شهرهای کوچک در عرصه‌های روستایی از راهکارهای مؤثر در این زمینه بشمرده است. در دو دهه گذشته ایجاد و شکل‌گیری شهرهای کوچک در نواحی روستایی کشور به دلیل تغییر در قوانین تقسیمات کشوری بهشت را به افزایش بوده و عملاً موجب شکل‌گیری تعداد بسیار زیادی از شهرهای کوچک و روستا - شهر در پهنه سرزمین شده است در میان استان‌های کشور خوزستان از جمله استان‌هایی است که بیشترین تعداد این‌گونه تبدیل‌ها را در دو دهه گذشته مواجه بوده است (اگری و ماینا، ۲۰۱۰، ۲۰). گسترش روزافزون شکل‌گیری شهرهای جدید (تبدیل روستا به شهر) در سال‌های اخیر روندی شتابان به خود گرفته است بر اساس داده‌های آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۹۰، در بررسی تغییرات جمعیت روستایی کشور طی یک دوره ۵۰ ساله نشان می‌دهد که نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ سیر نزولی داشته و از ۶۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۱.۴ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران سال، ۱۳۹۰). مهم‌ترین عامل در برپایی و پراکندگی فضایی سکونت گاه‌های انسانی را می‌توان عوامل محیط طبیعی شامل ساختار زمین و اشکال ناهمواری، ویژگی‌های اقلیمی و نحوه دسترسی به منابع آب‌وخاک دانست. امری که سکونتگاه‌های انسانی بیش از هر چیز از آن تأثیر می‌پذیرند. با دیدن هر شهر و روستا می‌توان در جستجوی یکی از عوامل مساعد محیطی بود. پس از عوامل محیطی می‌توان به عوامل اجتماعی و اقتصادی و سرانجام به عوامل سیاسی نیز اشاره نمود که در ادامه نقش هر کدام به طور جداگانه تشریح می‌شود. ذکر این نکته اهمیت اساسی دارد که عوامل مؤثر در برپایی سکونتگاه‌های روستایی و شهری از آنجایی که باعث توسعه و محدودیت در گسترش شهرها و روستا می‌گردد، به مسئله تبدیل روستا به شهر ارتباط پیدا می‌کند. به عبارت دیگر در بسیاری مناطق، وجود توانمندی‌ها در زمینه این عوامل به ویژه عوامل طبیعی، باعث ارتقاء سکونتگاه‌های روستایی به شهری می‌گردد؛ و بر عکس در بسیاری موارد هم هر جا محدودیت محیطی از جمله اقلیمی وجود داشته است، توسعه سکونتگاه حتی نتوانسته است در حد سکونتگاه روستایی توسعه پیدا کند و در برخی باعث حتی جریان معکوس توسعه یعنی تخلیه و متروکه شدن سکونتگاه روستایی نیز شده است چه برسد به ارتقاء و تبدیل آن به سکونتگاه شهری. در این تحقیق سعی بر این است که عوامل مؤثر بر روستاهایی که در سه پهنه‌بندی داشت، کوهپایه و ساحلی قرار داشته‌اند و به مرور زمان به شهر تبدیل شده‌اند مورد شناسایی قرارگرفته و میزان نقش هر یک از این عوامل در هر یک از این سه پهنه موردستجوش قرار گیرد. در این پژوهش حاضر در پی پاسخ دادن به دو سوال زیر است:

۱. شناسایی عوامل مؤثر در سیر تحول روستا به شهر در اقلیم‌های متفاوت استان خوزستان
۲. سنجش میزان اثرات عوامل مؤثر در سیر تحول در چهار اقلیم متفاوت استان خوزستان

مبانی نظری

روستا: برای اولین بار در قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ روستا در نظام حقوقی ایران چنین تعریف شد: ده یا قریه عبارت از: یک مرکز جمعیت و محل سکونت تعدادی خانوار که در اراضی آن ده به عملیات کشاورزی اشتغال داشته و درآمد اکثریت آنان از طریق کشاورزی حاصل گردد و عرفانه در محل ده یا قریه شناخته می‌شود (مهندسین مشاور هامون پاد، ۱۳۷۲، ۳۲).

شهر: منظور از شهر، منطقه جغرافیایی است که دارای جمعیت مشخص بوده و تراکم جمعیت در آن وجود داشته و افراد در آن بر امور غیر کشاورزی اشتغال داشته باشند و نیز دارای شهرداری باشد. نقاط شهری معمولاً ارتباط و آشنایی فراوانی با رژیم های مادی جدید، شیوه های جدید زندگی و نظایر آنها دارند. به عبارت دیگر نقاط شهری به خاطر ویژگی های مربوط به پویایی خود به عنوان جامعه ای باز همواره شاهد تحولاتی ارزشی - فرهنگی و دگرگونی در نظام هنجاری خود است. از این رو، مشاهده کردن ارزش های فرهنگی جدید در نقاط شهری از دیدگاه جامعه شناسان شهری یک جریان مادی است. یعنی از نقاط شهری نمی توان انتظار ایستایی فرهنگی را داشت (شیخی، ۱۳۸۰، ۳۶-۲۰).

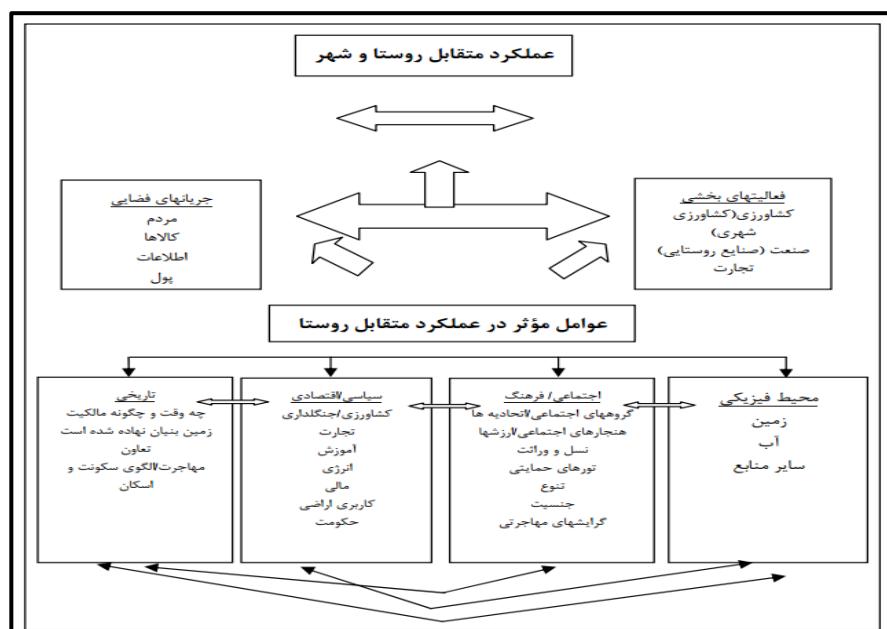
ملاک های شناخت شهر از روستا و وجود تمایز آنها

امروزه برای شناخت شهر از روستا، بر پاره ای ملاک ها بیشتر تأکید می شود که عبارت اند از:

*ابعاد اکولوژیک، در حوزه های روستایی، کاربری زمین بیشتر بخش کشاورزی را در برمی گیرد. وسعت سکونتگاه ها محدود و تراکم جمعیت بسیار کم است. جامعه روستایی به ارزوا گرینی خاصی پناه می برد و خود را از بخش های دیگر جامعه کنار می کشد؛

*شرایط شغلی؛ اقتصاد حوزه های روستایی بیشتر به فعالیت های بخش اول، مانند کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری وابسته است؛

*ویژگی های اجتماعی - فرهنگی؛ در جامعه روستایی برخوردها چهره است و همه خانواده ها دارای ارزش های مشترک فرهنگی پایداری هستند؛ البته ممکن است به تدریج بخشی از ارزش های سنتی روستاهای درنتیجه نفوذ فرهنگ شهری تضعیف شود (شکوبی، ۱۳۸۲، ۶۷).



شکل ۱- چارچوب تحلیلی بر مطالعه عملکرد متقابل شهر و روستا

(اوکلی و همکاران^۱، ۲۰۰۱، ۸-۱)

گرایش معطوف به شهر

حکومت های جهان سوم به استثنای تعداد محدودی، به ضرر روستاهای گام بر می دارند. مایکل لیپتون به عنوان تحلیل گر ارتباط شهر و روستا در کشورهای در حال توسعه معتقد است بخش روستایی بیشترین فقر و بالاترین منابع ارزان بالقوه و پیشرفت را در اختیار دارد. در حالی که بخش شهری قادر شده است که در اکثر برخوردهای خود با روستاییان پیروز شود؛ اما در این راه فرآیند توسعه را بی جهت کند و نابرابر کرده است. در تخصیص منابع بین شهر و روستا بیشتر اولویت های شهری مدنظر است و نه رعایت عدالت اجتماعی یا کار آیی. اختلاف بین رفاه روستایی و شهری در کشورهای فقیر کنونی بسیار بیشتر است از آنچه که در کشورهای غنی در مراحل اولیه توسعه آنها حاکم بود. این شکاف عظیم به طور مستدل ناکارآمد و به همان اندازه غیر منصفانه است (محمدپور لیما و همکاران، ۱۳۹۱، ۶۴).

جدول ۱- عوامل و نیروهای موثر در برپایی سکونتگاه‌های انسانی

منبع	متغیرها	گویه‌ها و عوامل
سعیدی (۱۳۸۸) رحمانی فضلی و پریشان (۱۳۸۸)		<ul style="list-style-type: none"> - تهیه مواد اولیه مورد نیاز در کشاورزی، - خرید وسایل و تجهیزات کشاورزی، - خرید وسایل منزل، - دریافت خدماتی چون چاپ و ظهور عکس - دریافت خدماتی چون پرینت، کپی، تعمیر وسایل و تجهیزات کشاورزی، - مراجعه مردم برای دریافت خدمات مربوط دادگاه رسیدگی به شکایات و پاسگاه، - زمینه‌های مناسب برای توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی، - مراجعه قشر تحصیل کرده جهت استفاده از مجلات، روزنامه‌ها و کتابخانه‌های عمومی
رحمانی فضلی و پریشان (۱۳۸۸) رضوانی (۱۳۷۵)		<ul style="list-style-type: none"> - تبدیل زمین‌های کشاورزی به دیگر فعالیت‌ها، - نزدیکی به شهر اهواز، - مراجعه مردم برای گذراندن اوقات فراغت و استفاده از امکانات تفریحی، - وجود زیرساخت لازم مانند شبکه‌های ارتباطی جهت رونق فعالیت‌های اقتصادی، - افزایش قیمت و اجاره‌بهای زمین‌های کشاورزی، - مراجعه مردم برای دریافت خدمات بهداشتی و درمانی
فی (۱۳۸۲) سعیدی (۱۳۸۸)		<ul style="list-style-type: none"> - تأمین نیازهای مرتبط با بخش کشاورزی، - مهاجرت مردم سایر روستاهای و شهرها جهت اشتغال، - خرید مواد اولیه مورد نیاز، - وجود فرصت‌های شغلی در زمینه‌های گوناگون، - دریافت خدمات، خرید مایحتاج روزانه، - آب و هوای منطقه
فی (۱۳۸۲) تقوایی (۱۳۸۵)		<ul style="list-style-type: none"> - مراجعه دانش آموزان دختر جهت تحصیل در مراکز شبانه‌روزی، - مراجعه دانش آموزان پسر جهت استفاده و تحصیل در مراکز فنی و حرفه‌ای، - مراجعه جوانان جهت استفاده از امکانات ورزشی، - خرید وسایل نقلیه و وجود مراکز دانشگاهی در این منطقه
فی (۱۳۸۲)		<ul style="list-style-type: none"> - فروش محصولات دامی و لبنی، - خرید کالاهای نیمه بادوام، - فراهم بودن توسعه فعالیت‌های صنعتی در این شهر، - تعمیر وسایل نقلیه - خرید کالا
منبع: (ساتیشینو و هوشینو ^۱ ، ۲۰۰۱)		

مروری بر نظریه‌های مرتبط با سازمان فضایی و توسعه منطقه‌ای رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی^۱

رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی در دهه ۱۹۸۰ توسط دنیس راندینلی^۲ با الهام از نقاط اساسی و مثبت نظریات مهم توسعه منطقه‌ای، ارائه شده که تأکید آن بر استفاده از کارکردها و عملکردهای شهری در توسعه مناطق روستایی است (رضوانی، ۱۳۸۲، پایه ۳۶). نظری تئوریکی این رویکرد بر این مبنایت که هدف کارایی مکانی کارکردهای شهری را با اهداف جامع تر بهبود سلسله‌مراتب مکان مرکزی متداول ترکیب کند. در رویکرد مذکور فرض بر این است که شهرک‌ها و شهرهایی که به عنوان بازارهای کشاورزی فعالیت دارند به جهت اینکه خدمات اجتماعی و اساسی و امکانات عمومی را برای جمعیت روستایی فراهم می‌آورند و به واسطه پیوند و ارتباطی که با یکدیگر و با نواحی روستایی اطرافشان دارند، می‌توانند مبنای فیزیکی شبکه اسکلت‌بندی شده، در جهت توسعه منطقه‌ای قرار گیرند (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۰، پایه ۳۸). در واقع راندینلی در امر توسعه، نظریه خود را بر مبنای عدم تمرکز سرمایه‌گذاریها در سکونتگاه‌های انسانی با تأکید بر محور شهری در تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی قرار می‌دهد که آنها را قادر می‌سازد تا جوامع روستایی خود را به توسعه اجتماعی - اقتصادی برسانند. وی در نظریه خود بر مفهوم بخورد وابستگیها بین حوزه‌های روستایی با شهرهای کوچک و بین شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ تأکید می‌ورزد و این تعادل فضایی، اجتماعی، اقتصادی را پایگاه اصلی در امر توسعه می‌شناسد (شکوبی، ۱۳۹۲، پایه ۳۱۵).

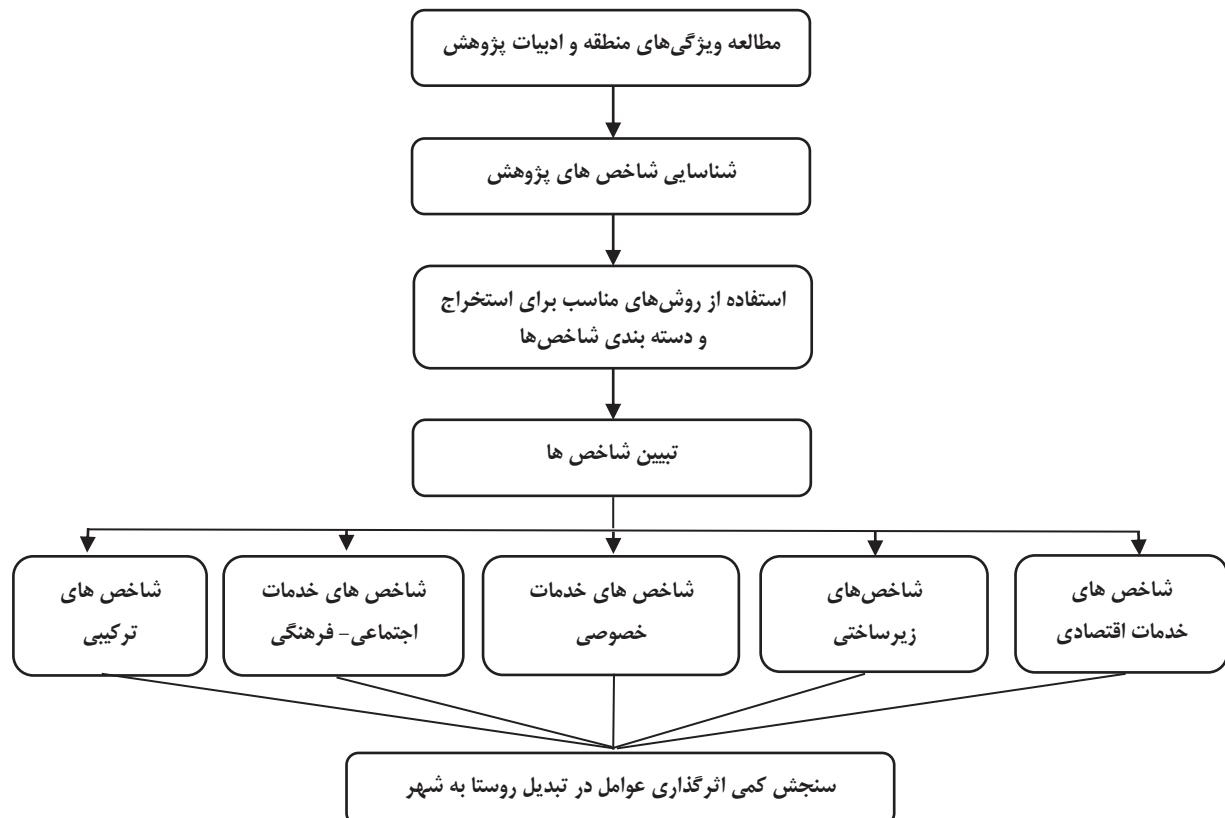
نظریه اگروپلیتن یا منظمه کشت - شهری (توسعه روستا شهری)

نظریه اگروپلیتن متأثر از نظریه‌های مرکز - پیرامونی، قطب رشد و نیازهای پایه است. فریدمن و ویور از صاحب‌نظران این راهبرد هستند که به خوداتکایی که نقطه مقابل وابستگی است و بهبود حیات سرزمینی و ایجاد واحدهای فرهنگی و اقتصادی که مبتنی بر تعاون و خودیاری است اهمیت می‌دهند (ازکی، ۱۳۹۲، پایه ۳۱). این نظریه بر سه محور استوار است: (الف) همکاری و خودیاری داوطلبانه (ب) جماعتات روستایی (ج) توسعه غیرمتتمرکز. ناحیه اگروپلیتن ناحیه‌ای است که در آن کشاورزی فعالیت اصلی و به صورت خودمختار و خودگردان اداره می‌شود و برنامه‌ریزی‌ها، انتخابات و سایر امور به وسیله خود مردم صورت می‌گیرد. روش اگروپلیتن مبتنی بر یک ناحیه فرهنگی است. افرادی که در این اجتماعات روستایی زندگی می‌کنند از نظر فرهنگی همگونی دارند و جهت رسیدن به یک هدف مشترک بسیج می‌شوند. این نظریه، تجسم ایجاد شهرها در پهنه مزارع بوده، یعنی روستا شهرهایی که پاره‌ای از عناصر کلیدی شهر گرایی را در نواحی کوچک و پرترکم روستایی، در خود داشته باشند (پنگ و همکاران، ۲۰۱۵). ناحیه روستا شهری به صورت واحدی مناسب برای طراحی یک برنامه توسعه آمایشی از طریق برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نامتمرکز است. نظریه فریدمن به عنوان راهبرد توسعه جایگزین در مقابل نظریه قطب‌های رشد برای کشورهای آسیایی ارائه شده است. همچنین می‌توانیم توسعه روستا شهری را توسعه‌ای غیرمتتمرکز (از بالا به پایین)، متنکی بر محور کشاورزی و با انتکا به نواحی روستایی و یا به عبارتی دیگر روستا پایه بدانیم. آن‌طور که فریدمن اشاره می‌کند در توسعه بر مبنای بخش‌های اگروپلیتن باید سعی شود که گونه‌گونی اقتصاد داخلی، هدفی برای حداکثر توسعه صنایع فیزیکی باشد و پیشرفت باید آموزش اجتماعی و وسعت بازارهای ناحیه‌ای را افزایش دهد. این نظریه یکی از استراتژی‌های است که ممکن است اهداف روستانشینی نامیده شود، هرچند موضوعات آن جایگزینی برای تمایلات اخیر به طرف شهرنشینی و تمرکز صنعتی در جهان سوم است این فرضیه بازگشت به حال نخست کار زراعی و تقویت اقتصاد روستایی، نوع زندگی روستایی و ارزش‌های روستایی را مدنظر دارد (فریدمن و همکاران، ۱۹۸۵، پایه ۱۵).

نظریه تعادل فضایی

این نظریه که برای زمان و چشم‌اندازهای تاریخی اهمیت قائل می‌باشد در پی آن است که درباره انتشار سکونتگاه از نخستین نظره مهاجرت نواحی مستعمراتی تحقیق کند. بی‌لوند سعی کرده است در یک چارچوب، شش نوع فرضیه پخش سکونتگاه را تعیین کند. او مطالعه‌اش را روی مستعمرات جدید در لابلند پایه نهاد. البته فرضیه تحقیق موریل برای الگوی عمومی سکونتگاه مناسب است نه محاسبه دقیق محل آنها. مدل بکار گرفته شده از نوع مونت کارلو است. در این مدل یک مجموعه از احتمالات که هم به انسان و هم به شرایط طبیعی مربوط است، شرح داده شده است (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۹، پایه ۲۰۱). در توضیح اصالت چنین الگوهای باید به چهار عامل اصلی اشاره کرد:

- شرایط اقتصادی و اجتماعی که تمرکز فعالیتهای اقتصادی را در شهرها تقویت می‌کند
 - شرایط جغرافیایی یا فضایی که در اندازه و توزیع شهرها مؤثرند
 - این حقیقت که مکان چنین توسعه‌ای را بتدریج می‌پذیرد
 - شناسایی عنصری نامعلوم از همه رفتارها
- در حالی که دو عامل اول، ملاحظاتی روشن در طبقه‌بندی تئوریهای تعادل فضایی هستند، دو مورد بعدی متمایل به تئوری پخش هستند (پاشن^۱، ۱۹۸۵: ۴۶).



نمودار-۱- مدل مفهومی تحقیق منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع روش توصیفی- تحلیلی است. جامعه آماری این تحقیق شامل روستاهای تبدیل شده به شهر در استان خوزستان طی دوره ۱۳۷۶-۹۰ است. در دوره مورد بررسی در ۱۹ شهرستان استان خوزستان تعداد ۳۵ روستا تبدیل به شهر شده‌اند که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ تعداد ۲۵۲۵۸۲ نفر جمعیت داشته‌اند. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر در پهنه‌های اقلیمی متفاوت است، تعیین حجم نمونه نیز بر اساس مجموع جمعیت روستاهای تبدیل شده به شهر در این پهنه‌های اقلیمی صورت گرفته است. برای تعیین حجم نمونه از روش کوکران استفاده شده است که شامل ۳۸۴ پرسشنامه می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات پیمایشی استفاده شده است. همچنین برای تکمیل پرسشنامه در پهنه‌های اقلیمی متفاوت، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌های SPSS، ArcGIS Desktop و نرم‌افزار ArcGIS Desktop انجام گرفته است. در مرحله اول استان خوزستان با بهره‌گیری از داده‌های سازمان هواسناسی کشور و به کارگیری نرم‌افزار ArcGIS به چند پهنه اقلیمی تقسیم‌بندی گردید. سپس داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه در اقلیم‌های متفاوت، با

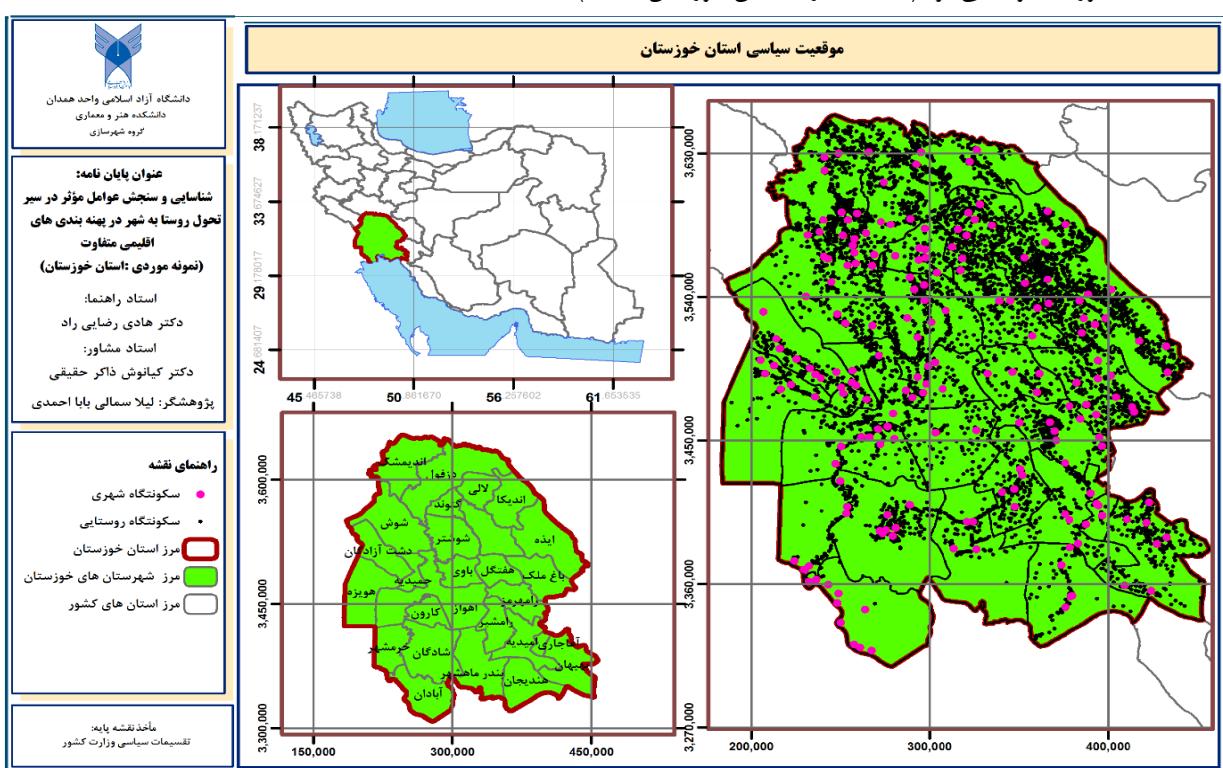
به کارگیری نرمافزار SPSS و روش تحلیل عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نهایتاً عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر در هر یک از این اقلیم‌ها شناسایی شدند. تهیه نقشه‌های ویژگی‌های محدوده موردمطالعه نیز به وسیله نرمافزار ArcGIS صورت گرفته است. روابی^۱ پرسشنامه از نظرات اساتید راهنمای و مشاور و سایر افراد متخصص بهره گرفته شده است و اصلاحات لازم در این زمینه به عمل آمد. پایانی^۲ پرسشنامه نیز از محاسبه یک ضریب همبستگی به نام آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج به دست آمده حاکی از اعتبار بالای پرسشنامه کاربرده شده را نشان می‌دهد.

جدول ۲- میزان پایایی سوالات پرسشنامه

پایایی تحلیل‌های آماری	
آلفای کرونباخ	تعداد آیتم‌ها
.۸۲۳	۲۶

محدوده مورد مطالعه

استان خوزستان با مساحتی حدود ۶۳۶۳۳/۶ کیلومترمربع، بین ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۳۳ درجه و صفر دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ در جنوب غربی ایران واقع گردیده و از شمال غربی با استان ایلام، از شمال با استان لرستان، از شمال شرقی و شرق با استان چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب شرقی با استان بوشهر، از جنوب به خلیج فارس محدود و از غرب با کشور عراق هم‌مرز است. خوزستان سرزمین هموار و کم عارضه است. با توجه به اینکه جلگه خوزستان از رسبات نرم رودخانه‌ای است که از رشته‌کوه زاگرس سرچشمه می‌گیرند، منطقه‌ای حاصلخیز است و به عنوان یکی از مراکز عمده تغذیه کشور محسوب می‌شود (سالنامه آماری استان خوزستان، ۱۳۹۰).



نقشه ۱- موقعیت سیاسی منطقه مورد مطالعه منبع: نگارنده‌گان، ۱۳۹۸

ویژگی اقلیمی استان خوزستان

ناحیه سردسیر (کوهستانی): این ناحیه شامل ارتفاعات شمال و شمال شرقی است و متوسط بارندگی در این منطقه بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر بوده و در زمستان نزولات آسمانی به صورت برف است.

ناحیه معتدل یا کوهپایه‌ای: این ناحیه که به صورت نوار نسبتاً باریکی بین دو ناحیه سردسیر و گرم و خشک کشیده شده و بیشتر شامل شهرهای دزفول و شوشتر است که دارای آب و هوای خشک و نیمه‌خشک بوده و نزولات جوی بیشتر به صورت باران است.

ناحیه گرم و خشک (بیابانی): این ناحیه شامل جلگه‌های جنوب و جنوب‌غربی خوزستان است که تحت تأثیر جریان‌های اقلیمی، آب و هوای آن متغیر است. بر اساس تقسیم‌بندی دومارتن، استان خوزستان از لحاظ تقسیم‌بندی اقلیمی در اقلیم نیمه مرطوب قرار دارد (طرح جامع گردشگری خوزستان، ۱۳۸۷: ۶).

تحلیل داده‌ها

تصویف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تحقیق

سن پاسخگویان: از کل جمجم نمونه، تعداد ۵۴ نفر با ۱۴/۱ درصد زیر بیست سال، ۱۰۵ نفر با ۲۷/۳ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۰۷ نفر با ۲۷/۹ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۶۷ نفر با ۱۷/۴ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال، ۵۱ نفر با ۱۴/۳ درصد بالای ۵۰ سال سن داشتند. جنس پاسخگویان: از کل نمونه تحقیق، ۱۷۹ نفر (۴۶/۶٪) درصد زنان و ۲۰۰ نفر (۵۲/۱٪) را مردان تشکیل داده‌اند. ارزیابی وضعیت تحصیلات: پاسخگویان در پنج رده بی‌سواد، دیپلم و زیر دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر صورت گرفته است. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات: از مجموع نمونه مورد مطالعه، ۱۲/۵ درصد افراد بی‌سواد، ۲۸/۱ درصد افراد دیپلم و زیر دیپلم، ۲۱/۴ درصد افراد فوق دیپلم، ۲۵ درصد لیسانس و ۱۳ درصد پرسش‌شوندگان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند. وضعیت شغلی: وضعیت شغلی پاسخگویان در ۵ طبقه در حال تحصیل، آزاد، دولتی، بیکار و بازنشسته مورد ارزیابی قرار گرفته است که از کل تعداد پاسخگویان ۱۵/۶ درصد بیکار، ۲۹/۴ درصد دارای شغل آزاد، ۲۷/۹ درصد دارای شغل دولتی، ۷/۶ درصد بازنشسته و ۱۹/۵ درصد مشغول به تحصیل بودند.

توزیع درصدی پرسشنامه

با توجه به اقلیم مختلف، پرسشنامه‌های تهیه شده مابین افراد و گروه‌های مختلف به شرح فوق در اقلیم مختلف تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد. بر این اساس تعداد پرسشنامه‌های صحیح و قابل استنتاج ۳۸۴ عدد بود که از این تعداد ۹۸ پرسش نامه مربوط به اقلیم فراخشک و ۹۵ پرسشنامه مربوط به اقلیم نیمه مرطوب و نیز تعداد پرسشنامه‌های صحیح اقلیم‌های خشک و نیمه خشک به ترتیب برابر با ۹۵ عدد و ۹۶ عدد بوده است.

جدول ۳- تعداد و درصد پرسشنامه‌های توزیع شده

اقلیم	تعداد پرسشنامه	درصد از کل
اقلیم فراخشک	۹۸	۲۵/۴۵
اقلیم نیمه مرطوب	۹۵	۲۴/۶۷
اقلیم خشک	۹۵	۲۴/۶۷
اقلیم نیمه خشک	۹۶	۲۴/۹۳

یافته‌های استنباطی

گویه‌های مورد استفاده در پژوهش

در پژوهش حاضر برای شناسایی عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر در اقلیم‌های مختلف در استان خوزستان از روش تحلیل عاملی استفاده شد. برای این منظور ۵۱ گویه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی، آموزشی وارد مدل تحلیل عاملی شد.

کاهش داده‌ها (Data Reduction): برای دستیابی به نتیجه مطلوب، عامل‌های ۵۱ گانه به ۵ گانه به ۵ عامل نهایی تقلیل و خلاصه گردید. در تحلیل نتایج به عوامل ۵ گانه اشاره می‌شود که هر عامل متغیرهای متفاوتی داشته و نتایج به ترتیب در عوامل ۵ گانه درج گردید.

شناسایی ساختار (Structure Detection): ساختار زیربنایی مجموعه متغیرها در یک حوزه مفهومی مشخص شناسایی شد. به عبارت دیگر متغیرهای مورد استفاده در تحقیق بر اساس صفات مشترکشان به دو یا چند دسته محدود شد که این دسته‌ها را عامل نامیدیم. پس از آن روابط بین عاملها بدست آمده و در هر عامل نیز روابط بین متغیرهای آن محاسبه شده و در نهایت هدف اصلی تحقیق که روابط بین متغیرهای تحقیق است، محاسبه شدند.

چرخش عوامل: برای اینکه رابطه بین آیتم‌ها و عامل‌ها به حداقل برسد، باید محورها چرخانده شوند. از طریق چرخش عامل‌ها بهترین ترکیب آیتم‌ها و ساختار عاملی ایجاد می‌شود.

عوامل اصلی: پس از تحلیل عاملی بر روی ۵۱ متغیر مذبور، در هر اقلیم بر اساس امتیاز و رتبه متغیرها، عوامل اصلی دسته بندی گردید. و در هر اقلیم ۵ عاملی که بیشترین رتبه و تأثیر را داشته‌اند در جدول نهایی تحلیل گردید. بدین ترتیب عوامل اصلی پژوهش به عامل خدمات اقتصادی - عوامل زیرساختی - جغرافیایی - خدمات اجتماعی - خدمات خصوصی - خدمات آموزشی _ فرهنگی - عوامل زیرساختی _ نهادی - ترکیبی. در جدول نهایی تحلیل گردید.

جدول ۴- عوامل اصلی پژوهش

عامل	
خدمات اقتصادی	۱
عوامل زیرساختی - جغرافیایی	۲
خدمات خصوصی	۳
خدمات اجتماعی	۴
خدمات آموزشی _ فرهنگی	۵
عوامل زیرساختی _ نهادی	۶
ترکیبی	۷

جدول ۵- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم نیمه مرطوب

عنوان	عناوین	مقدار ویژه	درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل	درصد تجمعی کل واریانس	عوامل
خدمات اقتصادی		۱۵/۶۴	۳۰/۶۷	۳۰/۶۷	عامل یک
زیرساختی - جغرافیایی		۱۴/۷۶	۲۸/۹۴	۵۹/۶۲	عامل دو
خدمات اجتماعی		۱۱/۱۵	۲۱/۸۷	۸۱/۴۹	عامل سه
خدمات آموزشی _ فرهنگی		۳/۴۴	۶/۷۴	۸۸/۲۴	عامل چهار
خدمات آموزشی _ فرهنگی		۲/۱۶	۴/۲۵	۹۲/۴۹	عامل پنج

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در اقلیم نیمه مرطوب انجام تحلیل عاملی ۵۱ گویه پژوهش را به ۵ عامل نهایی کاهش داد. همان‌طور که در جدول(۵) ملاحظه می‌شود این ۵ عامل حدود ۹۲/۴۹ درصد واریانس را توضیح می‌دهد. عامل اول ۳۰/۶۷ درصد، عامل دوم ۲۸/۹۴ درصد و عامل سوم ۲۱/۸۷ درصد کل واریانس را محاسبه نموده که نشان‌دهنده تأثیرگذاری زیاد این سه عامل به‌ویژه عامل اول و دوم بر روی مؤلفه‌های پژوهش است.

جدول ۶- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم نیمه خشک

عنوان	مقدار ویژه	درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل	درصد تجمعی کل واریانس	عوامل
خدمات خصوصی	۹/۰۰۸	۱۷/۶۶۲	۱۷/۶۶۲	عامل یک
عوامل زیرساختی_نهادی	۶/۲۳۴	۱۲/۲۲۴	۲۹/۸۸۶	عامل دو
خدمات آموزشی_فرهنگی	۵/۲۲۰	۱۰/۲۲۵	۴۰/۱۲۱	عامل سه
خدمات اقتصادی	۵/۰۹۵	۹/۹۹۰	۵۰/۱۱۰	عامل چهار
ترکیبی	۴/۹۸۹	۹/۷۸۲	۵۹۰/۸۹۳	عامل پنج

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در اقلیم نیمه خشک انجام تحلیل عاملی ۵۱ گویه پژوهش را به ۵ عامل نهایی کاهش داد. همان‌طور که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود این ۵ عامل حدود ۵۹/۸۹۳ درصد واریانس را توضیح می‌دهد. عامل اول ۱۷/۶۶۲ درصد، عامل دوم ۱۲/۲۲۴ درصد و عامل سوم ۱۰/۲۲۵ درصد کل واریانس را محاسبه نموده که نشان دهنده تأثیرگذاری زیاد این سه عامل به‌ویژه عامل اول و دوم بر روی مؤلفه‌های پژوهش است.

جدول ۷- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم خشک

عنوان	مقدار ویژه	درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل	درصد تجمعی کل واریانس	عوامل
خدمات اقتصادی	۷/۶۲۵	۱۴/۹۵۰	۱۴/۹۵۰	عامل یک
عوامل زیرساختی_نهادی	۷/۲۱۵	۱۴/۱۴۷	۲۹/۰۹۷	عامل دو
خدمات خصوصی	۶/۱۸۴	۱۲/۱۲۶	۴۱/۲۲۳	عامل سه
خدمات آموزشی_فرهنگی	۵/۳۹۱	۱۰/۵۷۰	۵۱/۷۹۲	عامل چهار
خدمات اجتماعی	۴/۹۰۴	۹/۶۱۵	۶۱/۴۰۸	عامل پنج

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در اقلیم خشک انجام تحلیل عاملی ۵۱ گویه پژوهش را به ۵ عامل نهایی کاهش داد. همان‌طور که در جدول (۷) ملاحظه می‌شود این ۵ عامل حدود ۶۱/۴۰۸ درصد واریانس را توضیح می‌دهد. عامل اول ۱۴/۹۵۰ درصد، عامل دوم ۱۴/۱۴۷ درصد و عامل سوم ۱۲/۱۲۶ درصد کل واریانس را محاسبه نموده که نشان دهنده تأثیرگذاری زیاد این سه عامل به‌ویژه عامل اول و دوم بر روی مؤلفه‌های پژوهش است.

جدول ۸- نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم فرا خشک

عنوان	مقدار ویژه	درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل	درصد تجمعی کل واریانس	عوامل
خدمات خصوصی	۱۵/۶۳۳	۳۰/۶۵۳	۳۰/۶۵۳	عامل یک
عوامل زیرساختی_نهادی	۱۱/۱۳۳	۲۱/۸۲۹	۵۲/۴۸۳	عامل دو
خدمات اقتصادی	۸/۲۶۷	۱۶/۲۴۹	۶۸/۷۳۲	عامل سه
خدمات آموزشی_فرهنگی	۶/۶۷۲	۱۳/۰۸۳	۸۱/۸۱۵	عامل چهار
ترکیبی	۳/۹۳۶	۷/۷۱۷	۸۹/۵۳۱	عامل پنج

در اقلیم فراخشک انجام تحلیل عاملی ۵۱ گویه پژوهش را به ۵ عامل نهایی کاهش داد. همان‌طور که در جدول (۸) ملاحظه می‌شود این ۵ عامل حدود ۸۹/۵۳ درصد واریانس را توضیح می‌دهد. عامل اول ۳۰/۶۵ درصد، عامل دوم ۲۱/۸۲ درصد و عامل سوم ۱۶/۲۴ درصد کل واریانس را محاسبه نموده که نشان‌دهنده تأثیرگذاری زیاد این سه عامل بهویژه عامل اول و دوم بر روی مؤلفه‌های پژوهش است.

بُررسی مقایسه اقلیم‌ها و تحلیل عوامل مختلف در تبدیل روستا به شهر

جدول ۹-نتایج تحلیل عوامل حول محور اصلی ۵۱ مؤلفه در اقلیم‌های مختلف

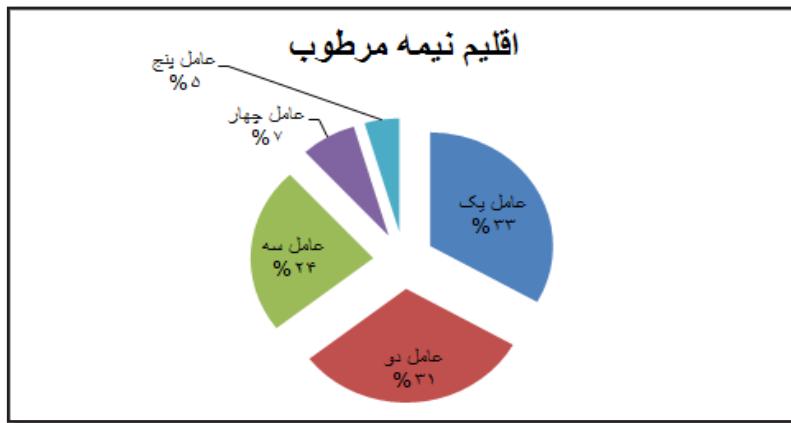
اقلیم	عنوان عوامل	رتبه عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس هر عامل	رتبه واریانس
اقلیم نیمه مرطوب	خدمات اقتصادی	عامل یک	۱۵/۶۴	۳۰/۶۷	۱
	زیرساختی- جغرافیایی	عامل دو	۱۴/۷۶	۲۸/۹۴	۳
	خدمات خصوصی	عامل سه	۱۱/۱۵	۲۱/۸۷	۴
	خدمات اجتماعی	عامل چهار	۳/۴۴	۶/۷۴	۱۹
	خدمات آموزشی- فرهنگی	عامل پنج	۲/۱۶	۴/۲۵	۲۰
	خدمات خصوصی	عامل یک	۹/۰۰۸	۱۷/۶۶۲	۶
	زیرساختی- نهادی	عامل دو	۶/۲۳۴	۱۲/۲۲۴	۱۱
	خدمات آموزشی- فرهنگی	عامل سه	۵/۲۲۰	۱۰/۲۲۵	۱۴
	خدمات اقتصادی	عامل چهار	۵/۰۹۵	۹/۹۹۰	۱۵
	ترکیبی	عامل پنج	۴/۹۸۹	۹/۷۸۲	۱۶
اقلیم نیمه‌خشک	خدمات اقتصادی	عامل یک	۷/۶۲۵	۱۴/۹۵۰	۸
	زیرساختی- نهادی	عامل دو	۷/۲۱۵	۱۴/۱۴۷	۹
	خدمات خصوصی	عامل سه	۶/۱۸۴	۱۲/۱۲۶	۱۲
	خدمات آموزشی- فرهنگی	عامل چهار	۵/۳۹۱	۱۰/۵۷۰	۱۳
	خدمات اجتماعی	عامل پنج	۴/۹۰۴	۹/۶۱۵	۱۷
	خدمات خصوصی	عامل یک	۱۵/۶۳۳	۳۰/۶۵۳	۲
	زیرساختی- نهادی	عامل دو	۱۱/۱۳۳	۲۱/۸۲۹	۵
	خدمات اقتصادی	عامل سه	۸/۲۸۷	۱۶/۲۴۹	۷
	خدمات آموزشی- فرهنگی	عامل چهار	۶/۶۷۲	۱۳/۰۸۳	۱۰
	ترکیبی	عامل پنج	۳/۹۳۶	۷/۷۱۷	۱۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که از نتایج آزمون تحلیل عاملی مشخص گردید در اقلیم‌های مختلف عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر به صورت متفاوتی اثرگذار بوده‌اند. در جدول (۹) نتیجه مقدار ویژه و درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل در اقلیم‌های مختلف درج شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این عوامل در بعضی اقلیم‌ها نسبت به اقلیم‌های دیگر تأثیر بیشتری داشته‌انجامی مقایسه ای به درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل در اقلیم‌های مختلف (جدول ۳۸-۴) نشان می‌دهد که در اقلیم‌های مورد بررسی در اقلیم‌های نیمه مرطوب و فراخشک عامل یک هر کدام با نزدیک ۳۰ درصد، بیشترین درصد واریانس را به خود اختصاص داده‌اند. در مرتبه بعدی بیشترین واریانس توضیح داده شده مربوط به عامل دو در اقلیم نیمه مرطوب با نزدیک ۲۹ درصد، عامل سه در اقلیم نیمه مرطوب با ۲۱/۸۷ درصد، عامل دو در اقلیم فراخشک با ۲۱/۸۲ درصد است. به عبارت دیگر، در بین اقلیم‌های مورد بررسی، این عوامل به عنوان تأثیرگذارترین عوامل شناخته شده‌اند. در بین چهار اقلیم محدوده مورد مطالعه، عامل پنج در اقلیم نیمه مرطوب با ۴/۲۵ درصد واریانس، عامل چهار در اقلیم نیمه مرطوب با ۶/۷۴ درصد واریانس، عامل پنج در اقلیم فراخشک با ۷/۷۱ درصد واریانس کمترین میزان درصد واریانس را توضیح می‌دهند. این بدان معناست که این عوامل در این اقلیم‌ها کمترین تأثیرگذاری را در تبدیل روستا به شهر داشته‌اند.

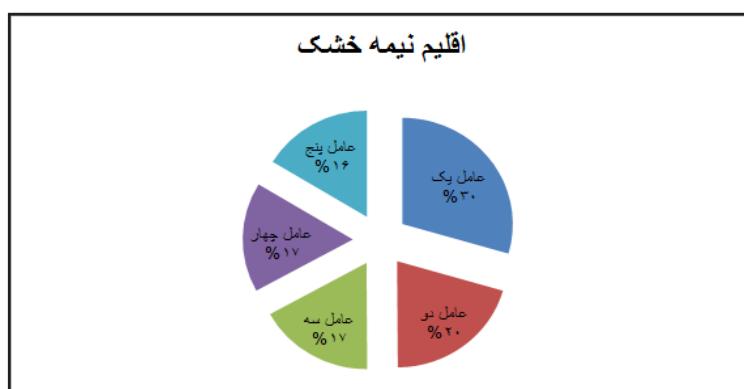
اقلیم نیمه مرطوب: در این اقلیم در تبدیل روستا به شهر عوامل اقتصادی و زیرساختی- جغرافیایی، بیشترین تأثیر را داشته است که می‌توان گفت به دلیل مناسب بودن شرایط آب و هوایی، وجود خاک حاصلخیز و دارا بودن عوامل زیرساختی مناسب زمینه‌ساز جذب بیشتر

جمعیت در این اقلیم گشته و با دارا بودن شرایط مناسب اشتغال با توجه به عوامل عنوان شده (خاک مساعد و آب کافی) زمینه بهبود شرایط اقتصادی ساکنین این اقلیم فراهم گشته است به عبارتی می‌توان گفت: مناسب بودن شرایط زیرساختی- جغرافیایی به همراه عوامل مساعد اقتصادی سبب جذب جمعیت و به دنبال آن زمینه‌ساز تبدیل روستا به شهر گشته و در این زمینه این دو عامل در این اقلیم نقش بیشتری را ایفا نموده‌اند.



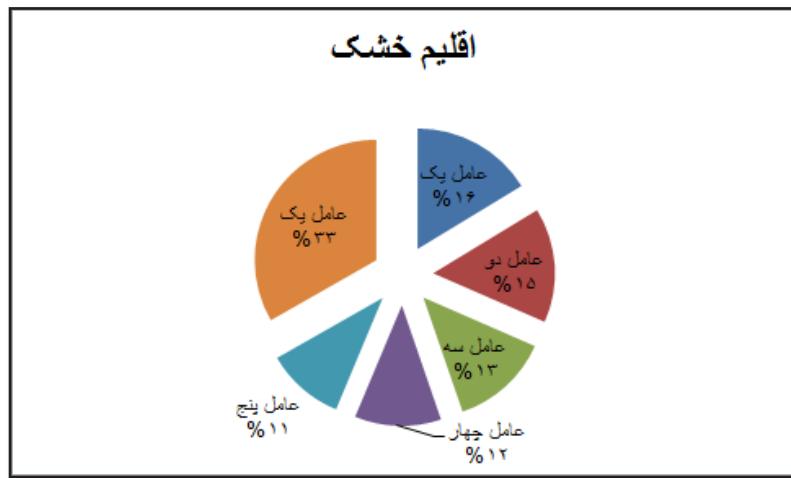
شکل ۲- تاثیر عوامل در اقلیم نیمه مرطوب

اقلیم نیمه خشک: در این اقلیم عوامل خدمات خصوصی و زیرساختی- نهادی نقش مؤثرتری نسبت به سایر عوامل در تبدیل روستا به شهر ایفا نموده‌اند چرا که در مقایسه با اقلیم نیمه مرطوب از لحاظ منابع آبی و خاکی ضعیفتر بوده و درنتیجه از لحاظ شرایط اشتغال و اقتصادی از اقلیم نیمه مرطوب ضعیفتر عمل کرده و در مقابل برای جذب بیشتر جمعیت در این اقلیم و توزیع مناسب جمعیت فاکتور خدمات خصوصی تقویت گشته و این عامل ضمن جذب جمعیت در ارتقاء شرایط و تبدیل روستا به شهر به همراه عامل زیرساختی- نهادی نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر عوامل ایفا نموده است.



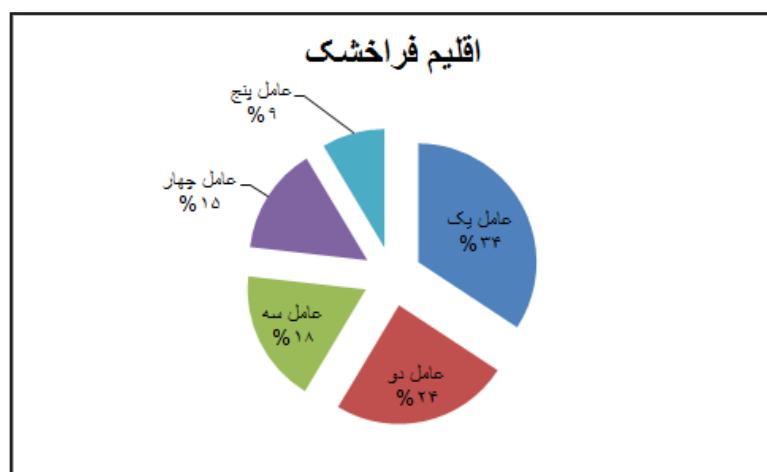
شکل ۳- تاثیر عوامل در اقلیم نیمه خشک

اقلیم خشک: در این اقلیم عامل اقتصادی و زیرساختی- نهادی در تبدیل روستا به شهر نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر عوامل دارد دلیل بالاتر بودن تأثیر عوامل اقتصادی به سایر عوامل در این اقلیم را می‌توان این‌گونه بیان نمود که به دلیل نامناسب بودن شرایط اقلیمی و عدم جذب جمعیت در این اقلیم مدیران و برنامه‌ریزان با اتخاذ تدبیری همچون در اختیار قرار دادن تسهیلات و خدمات اقتصادی بیشتر برای ساکنین این منطقه و ایجاد فرصت‌های شغلی مانند صنایع دستی و غیره زمینه جذب جمعیت و به دنبال آن شرایط تبدیل روستا به شهر را فراهم آورده که مساعد بودن عوامل زیرساختی- نهادی در این زمینه نقش مهمی را ایفا نموده است.



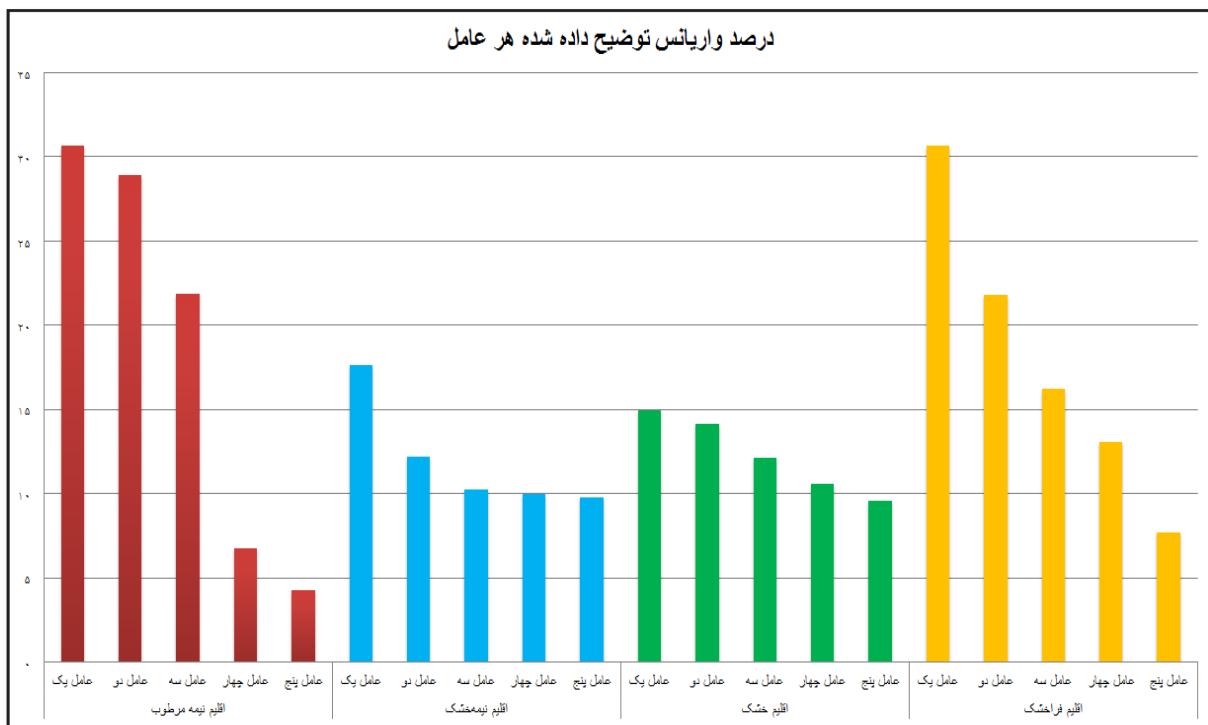
شکل ۴- تأثیر عوامل در اقلیم خشک

اقلیم فراخشک: در این اقلیم عوامل خدمات خصوصی و زیرساختی- نهادی مهم‌ترین نقش را نسبت به سایر عوامل در تبدیل روستا به شهر داشته است که می‌توان گفت در این اقلیم به دلیل نامناسب بودن شرایط اقتصادی با ایجاد شرایط خدمات خصوصی بهتر به همراه عوامل مناسب زیرساختی- نهادی شرایط را برای تبدیل روستا به شهر فراهم می‌آورند. در مرحله بعد عامل خدمات اقتصادی قرار دارد که تأثیر متوسطی در تبدیل روستا به شهر در این اقلیم دارا می‌باشد که این بیشتر به دلیل پایین‌تر بودن شرایط مساعد طبیعی این اقلیم می‌باشد.



شکل ۵- تأثیر عوامل در اقلیم فراخشک

«به نظر می‌رسد میزان موثردر تبدیل شدن روستا به شهر در پهنه‌های اقلیمی استان خوزستان متفاوت است.» نتایج بدست آمده از داده‌های جمع آوری شده و تجزیه و تحلیل آن‌ها با بکارگیری روش تحلیل عاملی نشان داد که در محدوده مورد مطالعه به دلیل تنوع اقلیمی و جغرافیایی، میزان عوامل موثر در تبدیل روستا به شهر علاوه بر تشابه در برخی شخص‌ها، متفاوت بوده و هر کدام از این عوامل به میزان متفاوتی در تبدیل روستا به شهر در اقلیم مختلف دخیل بوده‌اند؛ به طوری که بر اساس نتایج روش تحلیل عاملی، عامل زیرساختی- نهادی در منطقه مورد مطالعه در هر چهار اقلیم بیشترین تأثیر را در تبدیل روستا به شهر داشته است. عامل اقتصادی بجز در اقلیم‌های نیمه خشک و فرا خشک که به ترتیب دارای اثر ضعیف و متوسط بوده در دو اقلیم نیمه مرطوب و خشک بیشترین تأثیر را ایفا نموده است. عامل خدمات آموزشی- فرهنگی جز در اقلیم نیمه خشک که دارای اثر متوسطی بوده، در سایر اقلیم‌ها کمترین اثر را در زمینه تبدیل روستا به شهر ایفا نموده است. عامل خدمات خصوصی نیز در دو اقلیم نیمه مرطوب و خشک اثر متوسط داشته است؛ این در حالیست که در دو اقلیم دیگر یعنی نیمه خشک و فراخشک این عامل بیشترین اثر را داشته است.



شکل ۶- تأثیر عوامل در اقلیم های مختلف

در زمینه عامل خدمات اجتماعی نیز این عامل در اقلیم نیمه مرطوب بعنوان عامل چهارم و در اقلیم خشک بعنوان عامل پنجم شناسایی شد که اثرات کمی در تبدیل روستا به شهر داشته است. شاخص های این عامل در دو اقلیم نیمه خشک و فراخشک در ترکیب با شاخص های سایر عوامل در تبدیل روستا به شهر تأثیرگذار بوده اند. همان طور که مشخص است نتایج بالا نشان می دهد که به جز عامل زیرساختی-نهادی که در هر چهار پهنه اقلیمی به بعنوان عاملی که بیشترین تأثیر را در تبدیل روستا به شهر داشته و نیز به عنوان مهم ترین عامل در تبدیل در روستا شناسایی شده است، چهار عامل دیگر (اقتصادی، خدمات آموزشی-فرهنگی، خدمات خصوصی، خدمات اجتماعی) در پهنه های اقلیمی متفاوت، تأثیرات متفاوتی داشته و میزان اثرگذاری آن ها نیز با توجه به بار عاملی شاخص ها متفاوت بوده است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت در میزان عوامل مؤثر در تبدیل روستا به شهر در پهنه های اقلیمی متفاوت در استان خوزستان تأیید می شود.

نتیجه گیری

نتایج روش تحلیل عاملی نشان داد که عامل زیرساختی-نهادی در منطقه مورد مطالعه در هر چهار اقلیم بیشترین تأثیر را در تبدیل روستا به شهر داشته است. عامل اقتصادی بجز در اقلیم های نیمه خشک و فرا خشک که به ترتیب دارای اثر ضعیف و متوسط بوده در دو اقلیم نیمه مرطوب و خشک بیشترین تأثیر را ایفا نموده است. عامل خدمات آموزشی-فرهنگی جز در اقلیم نیمه خشک که دارای اثر متوسطی بوده، در سایر اقلیم ها کمترین اثر را در زمینه تبدیل روستا به شهر ایفا نموده است. عامل خدمات خصوصی نیز در دو اقلیم نیمه مرطوب و خشک اثر متوسط داشته است؛ این در حالیست که در دو اقلیم دیگر یعنی نیمه خشک و فراخشک این عامل بیشترین اثر را داشته است. در زمینه عامل خدمات اجتماعی نیز این عامل در اقلیم نیمه مرطوب بعنوان عامل چهارم و در اقلیم خشک بعنوان عامل پنجم شناسایی شد که اثرات کمی در تبدیل روستا به شهر داشته است. شاخص های این عامل در دو اقلیم نیمه خشک و فراخشک در ترکیب با شاخص های سایر عوامل در تبدیل روستا به شهر تأثیرگذار بوده اند. نتیجه مقایسه درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل نیز نشان داد بیشترین درصد روستا به شهر تأثیرگذار بوده اند. نتیجه مقایسه درصد واریانس توضیح داده شده هر عامل های مختلف نیز نشان داد بیشترین درصد واریانس مربوط به عامل یک با ۳۰ درصد در اقلیم های نیمه مرطوب و فراخشک و همچنین مربوط به عامل دو در اقلیم نیمه مرطوب با نزدیک ۲۹ درصد، عامل سه در اقلیم نیمه مرطوب با ۲۱/۸۷ درصد، عامل دو در اقلیم فراخشک با ۲۱/۸۲ درصد است. این نتیجه بدان معناست که عوامل نامبرده تأثیرگذارترین عوامل در تبدیل روستا به شهر بوده اند. نتیجه این مقایسه همچنین نشان داد عوامل پنج در اقلیم نیمه مرطوب با ۴/۲۵ درصد واریانس، چهار در اقلیم نیمه مرطوب با ۶/۷۴ درصد واریانس، پنج در اقلیم فراخشک با ۷/۷۱ درصد واریانس

کمترین میزان درصد واریانس را توضیح می‌دهند که نشان دهنده تأثیرگذاری کم این عوامل در تبدیل روستا به شهر است. در مورد روستاهای تبدیل شده به شهر علاوه بر سیاست‌های حمایتی دولت، برنامه ریزی و نیز تعیین کارکرد متناسب با شرایط جغرافیایی و اقلیمی آن‌ها می‌تواند ضامن پایداری آن‌ها در ابعاد مختلف باشد. اصولاً در توسعه این شهرها باید به تقویت پیوندهای روستا-شهری، بهبود توسعه کشاورزی، افزایش درآمد روستاییان حوزه نفوذ این شهرها و برانگیختن فرصت‌های شغلی غیرزراعی در این سکونتگاه‌ها در نظر گرفته شود، زیرا توسعه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی دارای تاثیرات متقابل هستند. تبدیل روستا به شهر دارای جنبه‌های مثبتی همچون افزایش و بهبود کارکرد های خدماتی و ایجاد برخی فرصت‌های شغلی بویژه در بخش‌های اداری و خدماتی بوده و در تثبیت جمعیت در مناطق روستایی و جلوگیری از مهاجرت‌های روستا-شهری تا حدودی موثر بوده است. ضمن اینکه دارای برخی جنبه‌های منفی نظیر از بین رفت‌ن اراضی کشاورزی اطراف این شهرها و رواج سوداگرای زمین و خارج شدن زمین‌های کشاورزی از چرخه تولید به طمع فروش زمین به قیمت بالاتر و ایجاد دوگانگی و بی‌ هویتی در جامعه روستایی و وضعیت نه شهری و نه روستایی بودن بوده است.

بدین ترتیب پیشنهادات کلی در حوزه مطالعاتی به شرح ذیل هستند: زمینه سازی برای رسیدن به یک توزیع معادل جمعیت در سطح منطقه؛ فراهم کردن ارتباطات عملکردی بین مناطق روستایی و شهری؛ بهبود نظام سلسله مراتب سکونتگاهی، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و تمرکزدایی. ضروری است ملاک و معیارهایی منطقی و علمی برای تبدیل روستا به شهر در راستای اهداف و چارچوب راهبرد توسعه شهرهای کوچک تعیین گردد تا ضمن پویایی و رونق شهرهای کوچک خدمات رسانی به روستاهای حوزه نفوذ گسترش یابد. برنامه ریزی جهت جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری مردمی بخصوص در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی مستلزم تقویت بنیه زیربنایی و اقتصادی شهرهای کوچک و روستاهای بزرگ (روستاشهرها)

پیشنهادات مختص محدوده مورد مطالعه

اقليم نیمه مرطوب: با توجه به شرایط مساعد اقلیمی در این منطقه برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی، مطالعه و تهیه برنامه آمایش آب، خاک و فعالیت‌های کشاورزی می‌تواند از پیش شرطه‌های توسعه فعالیت‌های کشاورزی، حفظ جمعیت در روستاهای و جلوگیری از تخلیه سکونتگاه‌های روستایی و یا تبدیل آن‌ها به شهر به شمار می‌رود. ایجاد زیرساخت‌های مناسب در مناطق روستایی این اقلیم؛ به عبارت دیگر کاهش تفاوت در توسعه زیرساخت‌های این اقلیم بین مناطق شهری و روستایی توسط بخش دولتی و یا دخیل کردن بخش خصوصی از طریق تسهیل سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه زیرساخت‌ها

اقليم نیمه خشک: تقویت شاخص‌های خدمات خصوصی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب در مناطق روستایی باید در رأس برنامه‌های توسعه ای این اقلیم قرار بگیرد تا مناطق روستایی نیز به موازات مناطق شهری از این شاخص‌ها بهره مند گردند. تأثیرگذاری کم عامل اقتصادی در تبدیل روستا به شهر در این اقلیم، ضرورت تقویت و توجه بنیه اقتصادی در شهر و روستا مطرح می‌سازد. بنظر می‌رسد تقویت همزمان عامل اقتصاد و خدمات در این اقلیم تأثیر زیادی در پایداری جمعیت در مناطق شهری و روستایی خواهد داشت.

اقليم خشک: با توجه به نتایج پژوهش و آشکار شدن تأثیر زیاد عوامل اقتصادی و زیرساختی- نهادی در تبدیل روستا به شهر در این اقلیم، تقویت بخش اقتصادی و ایجاد فرصت‌های اشتغال از طریق صنایع دستی یا متناسب با پتانسیل‌های موجود در منطقه می‌تواند در ماندگاری جمعیت در روستاهای و ایجاد شهرهایی با کارکرد اقتصاد روستایی تأثیر بسزایی داشته باشد. تأثیرگذاری پایین عامل خدمات آموزشی-فرهنگی در این اقلیم می‌تواند نشانه نوعی یکنواختی در کیفیت این شاخص‌ها در کل سکونتگاه‌های این اقلیم باشد. لذا با انجام بررسی‌های دقیقت‌اگر مشخص شود که کیفیت این شاخص‌ها نامناسب و یا پایین است، در جهت بهبود و ارتقاء آن‌ها برنامه‌های عملیاتی مختلفی به مرحله اجرا گذاشته شود.

اقليم فراخشک: با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر تأثیرگذاری زیاد خدمات خصوصی و زیرساختی- نهادی در تبدیل روستا به شهر شرایط نامساعد اقلیمی و جغرافیایی، پیشنهاد می‌شود در کنار شاخص‌های خدمات به شاخص‌های توسعه اقتصادی از طریق پتانسیل‌های موجود منطقه توجه بیشتری معطوف گردد. پایین بودن تأثیرگذاری شاخص‌های عامل خدمات آموزشی-فرهنگی در تبدیل روستا به شهر می‌تواند یکی از نشانه‌های پایین بودن کیفیت شاخص‌های این عامل در اقلیم فراخشک باشد لذا توصیه می‌شود در هر دو مناطق شهری و روستایی نسبت به ارتقاء کیفیت امکانات و خدمات آموزشی- فرهنگی برنامه‌های عملیاتی به مرحله اجرا گذاشته شود.

فهرست منابع

- ازکیا، م. (۱۳۹۲). مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، تهران: نشر اطلاعات.
- پاپی بزدی، م. و همکاران. (۱۳۸۹). نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.

- تقوایی، م. (۱۳۸۵). تحلیل و طبقه‌بندی مناطق روستایی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۲
- رحمانی فضلی، ع. و پریشان، م. (۱۳۸۸). تحولات ساختاری-کارکردی پس از تبدیل نقاط روستایی به شهر (مورد: شهر کانی سور-شهرستان بانه)، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال نهم، شماره ۱۲
- رضوانی، م. (۱۳۷۵). ارزیابی سیاست سکونتگاه‌های مرکزی در برنامه‌ریزی و توسعه نواحی روستایی. *پژوهش‌های جغرافیایی* ۳۵، ۹۵-۱۰۸
- سعیدی، ع. (۱۳۸۸). سطح بندی روستاهای کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، انتشارات شهیدی.
- شکویی، ح. (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: انتشارات سمت، جلد اول.
- شیرازی، م.ر. (۱۳۷۸). نقش کارکردی شهرهای کوچک در توسعه روستایی، مورد: حمیدیه در استان خوزستان (پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی). دانشگاه شهیدبهشتی. تهران.
- شیخی، م.ت. (۱۳۸۰). جامعه شناسی شهری، تهران: انتشارات نشر نورگیتی، جلد اول.
- فنی، ز. (۱۳۸۲). شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- محمدپورلیما، ن.، نوری کرمانی، ع.، عالیزاد مینا آباد، ف. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اقتصادی و کالبدی در ایجاد تعارضات حاصل از الحاق روستا به شهر(نمودن شهر اسلامشهر)، *نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی*، دوره ۱، شماره ۴، صص ۷۸-۴۰.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خوزستان، تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- مهندسین مشاور هامون پاد. (۱۳۷۲). طرح طبقه‌بندی روستاهای و تعیین خطوط استراتژی توسعه عمران روستایی.
- معاونت برنامه‌ریزی استانداری خوزستان. (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان خوزستان. ۱۳۹۰
- Aggrey & Daniel Maina, (2010). Community and Social Responses to Land use Transformations in the Nairobi Rural-urban Fringe, Kenya, *Field Actions Science Reports [Online]*, Special Issue 1.
 - Barry, D., Clayton, D., Olivier, D. (2000). *Rural Planning in Developing Countries*. London: Earth scan Publications.
 - Bromley, R. (1984). Market Center Analysis in the Urban Function in Rural Development. In H.D. Kammier and P.J. Swan (eds). *Equity with Growth?* Bangkok: Asian Institute of Technology.
 - Freeman, Donald B. & Worcliff, Clen B09 (1985). *Rural Enterprise in Kenya*. Kenya University Press.
 - Pacione, Michael(1985). *Rural Geogrpahy*, London, Reprinted.
 - Peng, Niu Xiang, Wang Bing & Zheng, Yunlong, (2015). Land use Changes and its Driving Forces in Hilly Ecological Restoration Area based on GIS and RS of Northern China, *Scientific Reports* 5, Article number: 11038.
 - Zhihui Li, Xiangzheng Deng, Fang Yin & Cuiyuan Yang, (2015) Analysis of Climate and Land Use Changes Impacts on Land Degradation in the North China Plain, *Advances in Meteorology*, Article ID 976370, 11 pages.